



«حلقات»

درس 3

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین علم الهدی

آموزشیار: آقای پیشوایی

مقدمه

در درس گذشته در باره حجیت خبر واحد به عنوان مهم ترین وسیله اثبات تعبدی دلیل شرعی بحث کردیم و گفتیم اصولیون برای حجیت خبر واحد به آیات قرآن تمسک کرده اند. یکی از آیاتی که برای اثبات حجیت خبر واحد به آن تمسک شده آیه نبأ است.

برخی از علما گفته اند این آیه با مفهوم خود بر حجیت خبر واحد دلالت می کند و از آن جا که مفهوم لازمه منطوق است، برای دقت در معنای مفهوم باید معنای منطوقی و مطابقی مشخص شود. گفتیم در معنای مطابقی آیه سه احتمال وجود دارد که به آن ها اشاره شد. در این جلسه، نخست به ادامه توضیح و تبیین احتمال سوم می پردازیم سپس به اشکالات وارد شده درباره مفهوم شرط در این آیه شریفه می پردازیم.

متن درس

فعلي الاول يكون نفيه بعينه معناه الحجية. وعلي الثاني يعنى نفيه ان جواز العمل بخبر العادل ليس مشروطا بالتبين، وهذا بذاته يلائم جواز العمل به بدون تبين - وهو معنى الحجة - ويلائم عدم جواز العمل به حتى مع التبين لان الشرطية منتفية في كلتا الحالتين. ولكن الثاني غير محتمل لانه يجعل خبر العادل أسوأ من خبر الفاسق، ولانه يوجب للنس عن العمل بالدليل القطعي، نظرا إلى ان الخبر بعد تبين صدقه يكون قطعيا فيتعين الاول وهو المطلوب ويوجد اعتراضان مهمان علي الاستدلال بمفهوم الشرط في المقام احدهما: ان الشرط في الجملة مسوق لتحقيق الموضوع، وفي مثل ذلك لا يثبت للجملة الشرطية مفهوم والتحقيق ان الموضوع والشرط في الجملة الشرطية المذكورة يمكن تصويرها بانحاء منها: ان يكون الموضوع طبيعي النبأ، والشرط مجئ الفاسق به.

ومنها: ان يكون الموضوع نبأ الفاسق، والشرط مجيئه به فكأنه قال نبأ الفاسق اذا جاء كم به فتبينوا
و منها: ان يكون الموضوع الجائي بالخبر والشرط فسقه فكأنه قال الجائي بالخبر إذا كان فاسقا فتبينوا،

استدلال به آیه نبأ

در مدلول مطابقی این آیه شریفه سه احتمال وجود دارد که به آن ها اشاره کردیم. احتمال اول رد و احتمال دوم پذیرفته شد و اکنون به احتمال سوم می پردازیم.

احتمال سوم در معنای آیه نبأ

امر «فتینوا» در آیه شریفه در صد بیان شرط قبول خبر است. در نتیجه مفاد آیه چنین می شود: اگر فاسقی خبر آورد، شرط قبول خبر او تحقیق و تفحص از خبر است. مفهوم این جمله شرطیه نیز چنین می شود: اگر عادل خبر آورد، شرط قبول خبر او تحقیق نیست؛ یعنی قبول خبر عادل غیر مشروط و اصطلاحاً مطلق است. پس با انتفاء خبر فاسق شرط تفحص هم منتفی می شود. اکنون که شرط پذیرش خبر عادل تحقیق نیست آیا اصل پذیرش جایز است یا خیر؟

دو احتمال وجود دارد:

احتمال اول: «اگر عادل خبر آورد، تحقیق لازم نیست»؛ یعنی با تحقیق و بدون تحقیق باید خبر عادل را پذیرفت و شرط قبول خبر عادل تحقیق و تفحص نیست و این به معنای حجیت خبر عادل است.
احتمال دوم: «اگر عادل خبر آورد، تحقیق لازم نیست»؛ یعنی با تحقیق یا بدون آن نپذیرد خبر عادل را پذیرفت که معنایش عدم حجیت خبر عادل است.

Sco1 5:55

بررسی دو احتمال

احتمال اول درست است؛ زیرا اگر بگوییم با تحقیق یا بدون آن نباید خبر عادل را پذیرفت، دو اشکال بوجود می آید.

اشکال نخست

اگر مفهوم آیه چنین باشد، به این معنا خواهد بود که خبر عادل نسبت به خبر فاسق از ارزش پایین تری برخوردار است؛ زیرا در منطق گفتیم: خبر فاسق را با تحقیق باید پذیرفت، در حالی که با این برداشت خبر عادل با تحقیق هم قابل پذیرش نیست. پس وضع خبر عادل از خبر فاسق بدتر است و این خلاف وجدان است.

اشکال دوم

اگر در باره خبر عادل تحقیق و به مضمونش علم پیدا کردیم، معنای آیه بر اساس احتمال دوم چنین می شود: به خبر عادل که علم به صدقش داریم نباید عمل کنیم؛ زیرا فرض این است که با تحقیق به صدق خبر علم پیدا کرده ایم، و معنای آیه شریفه این می شود که با وجود تحقیق نیز نباید به خبر عمل کرد و این محال است؛ زیرا در مباحث قطع گفته شده که محال است شارع قطع مکلف را از حجیت بپندازد و از آن نهی کند.

نتیجه : آیه نبأ بر حجیت خبر ثقه دلالت دارد؛ چه آیه را ارشاد به عدم حجیت خبر ثقه بگیریم، چه کنایه، و اشکال احتمال دوم دفع گردید .

Sco2 17:19

اشکالات وارد شده به مفهوم شرط در آیه نبأ

شهید صدر تا این جا مفهوم آیه را پذیرفته است و اکنون به دو اشکال که به مفهوم شرط در این آیه شده است ، اشاره می کند.

اشکال اول:

نکته 1 : در مفهوم شرط گفته شد گاهی شرط محقق و وجود آورنده موضوع حکم است. مثلاً: «ان رزقت ولدا فأختنه». در این جا شرط محقق موضوع است؛ یعنی اگر شرط تحقق یابد، موضوع جزا که «ولد» بلشد نیز محقق می شود و در صورت انتفاء شرط، جزای شرط نیز منتفی می شود. (ولدی نیست تا ختنه بشود یا نشود).

نکته 2 : موضوع، متعلق متعلق حکم است. در مثال «ان رزقت ولدا فأختنه» حکم وجوب است و آنچه حکم به آن تعلق گرفته ختان می باشد و این ختنه به ولد تعلق گرفته است. در مثال وجوب اکرام زید نیز حکم وجوب به اکرام تعلق گرفته و این اکرام که متعلق حکم است، به زید تعلق می گیرد، پس زید موضوع حکم است.

اشکال : درباره استدلال به آیه نبأ برای حجیت خبر واحد چنین اشکال شده که شرط، «مجیی فاسق بخبر» و موضوع این آیه «خبر» است؛ زیرا حکم، وجوب تبیین خبر است و تبیین متعلق حکم و «نبأ» متعلق متعلق حکم است که همان موضوع می باشد. حال وقتی شرط را با موضوع مقایسه کنیم در می یابیم که شرط محقق موضوع است و شرط باید محقق شود تا موضوع به وجود بیاید. اخبار فاسق، به وجود آورنده خبر فاسق است. هرگاه شرط به وجود آورنده موضوع باشد ، آن جمله شرطیه دیگر مفهوم ندارد. در نتیجه آیه شریفه مفهوم نخواهد داشت، تا اثبات کننده حجیت خبر واحد باشد.

پاسخ اشکال

موضوع و شرط در آیه شریفه آن گونه که اشکال کننده گمان کرده است، نیست، بلکه برای شرط و موضوع حکم در این آیه شریفه، سه احتمال وجود دارد که او بر اساس یکی از این احتمالات شرط را محقق موضوع دانسته و با دقت در معنای آیه، این احتمال رد می شود.

سه احتمال موجود درباره شرط و موضوع حکم در آیه نبأ :

الف) موضوع حکم، «طبیعی خبر» اعم از خبر فاسق و عادل باشد و شرط هم «اخبار فاسق» باشد. در نتیجه معنا آیه شریفه چنین می شود.

«النبأ اذا جاء به الفاسق فتبينوا؛ اگر فاسق خبر را آورد تبیین کنید» که در این صورت مفهوم آیه چنین خواهد شد: «النبأ اذا لم یجئ به الفاسق فلا یجب التبین. اگر فاسق خبر را نیاورد، تبیین لازم نیست».

ب) موضوع، «خبر فاسق» و شرط «اخبار فاسق» باشد.

اگر فاسق خبر را آورد درباره آن تحقیق کنید و اگر فاسق خبر را نیاورد، تبیین لازم نیست. این مفهوم سالبه به انتفاء موضوع است. فاسق خبری نیاورده است تا تحقیق و تفحص شود.

ج) موضوع «مخبر» باشد، چه عادل باشد چه فاسق و شرط «فسق مخبر» باشد. که در این صورت معنای آیه چنین می شود: «الجائی بالخبر اذا كان فاسقا فتبينوا؛ اگر آورنده خبر فاسق بود تحقیق کنید».

اشکال مطرح شده تنها بنابر احتمال دوم درست است.

Sco3 29:15

چکیده

1. احتمال سوم در معنای آیه نبأ این است که : « اگر فاسقی خبر آورد ، تبیین شرط قبول خبر است.» که در این صورت مفهوم آیه چنین می شود «اگر عادل خبر آورد، تبیین شرط قبول خبر نیست»
2. در احتمال سوم اگر شارع مرادش این باشد که هرچند در مورد خبر عادل تحقیق لازم نیست ؛ اما خبر عادل را نمی توان پذیرفت، دو اشکال پیش می آید.
الف) خبر عادل باید وضعیت بدتری از خبر فاسق داشته باشد؛ زیرا خبر فاسق با تحقیق پذیرفته می شود؛ اما خبر عادل، با تحقیق نیز پذیرفته نخواهد شد.
ب) شارع از پذیرش خبر عادل حتی هنگام تحقیق و علم به آن نهی کرده باشد و این به معنای نهی از پذیرش قطع است، در حالی که رد حجیت قطع محال است.
3. عده ای مفهوم شرط را در آیه شریفه رد کرده اند؛ زیرا شرط در آیه شریفه محقق موضوع است. موضوع خبر فاسق است و شرط، مجبئی فاسق به خبر.
4. موضوع حکم، متعلق متعلق حکم است. مثلاً در حکم «اکرام زید واجب است» حکم وجوب ، متعلق حکم اکرام و متعلق متعلق زید است.
5. در پاسخ اشکال به مفهوم آیه، شهید صدر در توضیح موضوع و شرط در آیه سه احتمال را مطرح می کند
الف) موضوع، خبر و شرط، اخبار فاسق باشد؛
ب) موضوع، خبر فاسق و شرط، اخبار فاسق باشد؛
ج) موضوع، آورنده خبر و شرط، فسق آورنده خبر باشد.